

## شش دانگ صدای ناب

یادی از ناصر طهماسب، دوبلور پیشگوت حوزه دوبلاژ که اول دی ماه ۱۴۰۲ از دنیا رفت

می شنید. او به خوبی می دانست دوبلاژ تنها یک صدای پیشگی از سر تکلیف نیست. باید لایه های بیرونی هر شخصیت را کنار زد. به جای او نشست و سپس برای دومین بار، هر شخصیتی را زندگی کرد. او بازیگری بود که تصویر نداشت. اما به تصاویر، جان دوباره می داد. جوری که از جایی به بعد دیگر نمی شد یکی مثل گری گوپری یا همفری بوگارت یا جک نیکلسون را با صدای دیگری باور کرد. او جزئی از اجزای بازی بازیگران می شد. انگار در جلوه ای دیگر به حرفه تئاتر برگشته بود و این بار یک تهنه با یاری صدای ورزیده اش به صحنه قدم می گذاشت. این همان مفهوم «گوینده مؤلف» بود که نخستین بار از سوی خود او در زمینه دوبلاژ مطرح شد. مفهومی که به خلق دوباره شخصیت ها اشاره می کند.



آزاده چشمه سمنی نویسنده

### یوگی، دوستان و باقی ماجرا

برادران طهماسب، هر کدام به نوعی گره خورده بودند با دنیای کودکان. ایرج طهماسب تبدیل به یک نشان مطرح در حوزه برنامه سازی کودک شد و اعجاز انگیزش، رنگ تازه ای بخشید. ناصر خان با آن چهره جدی و تنالیت سنجین صدایش، در نگاه اول هیچ قرابتی با دنیای انیمیشن ها و برنامه تلویزیون را باز کنید و بی اراده دقایقی طولانی محو تماشا می «یوگی و دوستان» اش شوید. آن شخصیت با مزه دوست داشتنی با ماجراهای عجیب و غریبی که داشت. از حنجره طلایی ناصر طهماسب جان می گرفت. همان صدایی که می توانست یک قاتل زنجیره ای یا یک وکیل مدافع تمام قدر در یک دادگاه رسمی و علنی باشد.

### گوینده مؤلف

ناصر طهماسب زمانی به جرگه صدای پیشگان سینما و تلویزیون وارد شد که از تمام حرفه دوبلاژ، آدای به موقع جملات و هم زمانی صدا و تصویر اولویت داشت. صداهایی قابل قبول پشت میکروفن ها می نشستند و دیالوگ ها را، پشت سرم ادا می کردند. ناصر طهماسب اما از اهالی تئاتر بود. اولن رامی شناخت خیلی خوب می دانست آکسان گذاری روی کلمات چه طور می تواند سرنوشت یک دیالوگ و در ادامه احساس یک سکانس را تغییر دهد. مردی که وقتی شروع به صحبت روی شخصیت ها می کرد، شنونده از هرجای خانه که بود، برای دقایقی دست از کار می کشید. لقمه را توی دهان نگه می داشت، سر برمی گرداند و بی اراده محو چیزهایی می شد که



### مک مورفی دیوانه

ناصر طهماسب با دوبله نقش مک مورفی با بازی جک نیکلسون در فیلم «دیوانه از قفس پرید»، آن چنان موفق و مؤثر از پس این نقش برآمد که به بندرت می توان جک نیکلسون را در دیگر آثار با صدایی دیگر، باور کرد. او در این اثر، به صدای پیشگی شخصیت یک سابقه دار مجرم آمریکایی می پردازد که در یک بیمارستان روانی، زندانی شده است.

مفصل پرچالش را از آن خود کرد. از یک قاتل بی رحم آلمانی شروع کرد و کم کم با یک عاشقانه تاریخی روی غلتک افتاد. از میدان جنگ تا یک روستای دور افتاده در ایالت تگزاس. هر بار نقشی تازه را با الحنتی تازه دست می گرفت و کم کم شده بود پای ثابت دوبله بهترین آثار آماده پیشی شده در تلویزیون و شبکه های ویدئویی. از نسل بهترین ها بود. از نسل خسروشاهی و رسول زاده و نودری، اما آنچه او را در میان این نسل طلایی برجسته می کرد، خلاقیت هایش بود. خلاقیت های جریان سازی که به مرور هنر دوبله ایران را در دوره ای کوتاه، به استانداردهای رایج جهانی نزدیک کرد.

### شش دهه فعالیت حرفه ای

مسیر فعالیت های حرفه ای ناصر طهماسب از دهه ۴۰ آغاز شد و تا شش دهه پس از آن بی وقفه ادامه یافت. از دوبله آثار موفق ایرانی نظیر سلطان صاحبقران (در نقش میرزا آقاخان نوری) و دایبی جان ناپلیون (در نقش آقاخان) گرفته تا هژاردستان علی حاتمی که یک تهنه جای پنج شخصیت اصلی و فرعی حرف زد. (ابوالفتح با بازی علی نصیریان از جمله ماندگارترین این نقش ها در سریال هژاردستان بود). اما صدای خاص، منحصر به فرد و متمایز او رفته رفته نه فقط در عالم فیلم و سریال و سینما و تلویزیون که در آثار مستند و تیزرهای تبلیغاتی، به یک صدای قابل اعتماد و پرکشش تبدیل شده بود که عیار هر اثری را به تنهایی بالا می کشید. اما او هم مثل بسیاری از همکاران موفق خود، از جایی به بعد روی صندلی مدیریت دوبلاژ نشست

### ابوالفتح صحاف

با بخش سریال «هژاردستان» در سال ۱۳۶۷ به کارگردانی علی حاتمی، حضور ناصر طهماسب در تیم دوبله، این اثر را به یک مجموعه خاطره انگیز و به یاد ماندنی تبدیل کرد. ناصر طهماسب در این کار، با پنج نقش به صدای پیشگی مشغول بود که در این بین دوبله نقش ابوالفتح صحاف با بازی علی نصیریان با آن لهجه شیرین ترکی، از جمله مهم ترین شخصیت های این سریال بود.



### کوچه

## حواسمان به لقمه هایی که برای خود می گیریم باشد



غلامرضا تاباطبی روزنامه نگار

جنس کباب لقمه نیست. در نگاه کامل تر می توان گفت لقمه جنبه های متعدد دارد. لقمه می تواند لقمه زبان باشد. همین که لقمه زبان بدن باشد. همین body language که این روزها از آن فراوان حرف زده می شود. از قضا گرفتاری این لقمه ها فراوان در فراوان تر هم هست. بی حسابش را مکتوب هم می کنیم. حرامش را ثبت می گذاریم. حواسمان نیست لقمه حرام می تواند سوء ظن باشد که نگاه ما را نسبت به دیگران تحت تأثیر خوبی سبطانی تغییر می دهد. لقمه حرام می تواند در نگاه بسته بندی شود و از چشم چنان بچوشد که چشمه های جان را بخشکاند. این که سر سفره

لقمه ها پاک باشد بسیار مهم است. اما مهم تر این است که حواسمان به همه چیز رفتار و گفتار و حتی اشارت هایمان هم باشد. لقمه حرام دیدگان هم تنها به چرای چشم در مزعه نامحرم خلاصه نمی شود. کنایه های چشم و ابرو که به تحقیر افراد و تخفیف گفته ها پیشان می انجامد هم همین حکم را دارد. این لقمه ها اگر مراقبت نشود به لقمه روح تبدیل می شود. از لقمه های آتش و پاره های آخگر هم غیر آتش نمی زاید و جز جهنم نمی آفریند. ما به یک سیستم محاسباتی تمام ساحتی نیاز داریم. چیزی مثل «FATF» که با رصد دقیق راه را بر بایستیگی های ببیند. منتهی به «FATF» غربی ها



## هنر روز

### هنر «همبستگی»

محمود آزدانیا، نقاش مشهدی با هنرش به داد مردم سیستان و بلوچستان رسید

ضحی زردکانلوا حدود یک هفته پیش بود که محمود آزدانیا، هنرمند مشهدی و کارتونست روزنامه شهر آرا، آستین هایش را بالا زد و به فکر گرم کردن رزله زده سیستان و بلوچستان در این روزهای سرد زمستانی افتاد. آزدانیا سه اثر از مجموعه «همبستگی» را به نفع مردم سیستان و بلوچستان به حراج گذاشت تا پول حاصل از فروش این سه تابلو برایشان کفش و لباس و جوراب و دستکش و ... شود. البته این نخستین بار نیست که آزدانیا دست به چنین اقدامات خیرخواهانه ای می زند. او بارها بر برگزاری نمایشگاه نقاشی به نفع مردم محروم و رزله زده از آن ها دستگیری کرده است. نکته جالب توجه این است که هر سه تابلو به فروش گذاشته شده آزدانیا در کمتر از سه روز از سوی یک مجموعه هنری خریداری شد و قرار است دوشنبه سوم دی ماه مجدد به حراج گذاشته شود تا مبلغ

بیشتری برای کمک به مردم رزله زده جمع آوری شود. عایدی حاصل از فروش سه تابلو آزدانیا یک میلیارد و ۹۶۶ میلیون تومان است که به احتمال زیاد پس از حراج مجدد این آثار هنری، رقم بیشتری برای کمک به مردم سیستان و بلوچستان به آن ها

روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسان صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ شماره تماس: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ وبسایت: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۷۷۸۸

شنبه

14 دی 1399

شماره ۴۴۸۸

SHAHRRARANEWS.IR

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

مشاق نامه اخلاق حرفه ای

دمای هوای مشهد

۷۴٪ رطوبت هوا

۶° -۲°

صبح ۲- ظهر ۴- عصر ۲- شب ۱-

اذان ظهر ۱۱:۲۹:۵۱ نیمه شب شرعی ۲۲:۴۴:۲۷

غروب آفتاب ۱۶:۲۰:۲۱ اذان صبح فردا ۰۵:۰۹:۰۲

اذان مغرب ۱۶:۴۰:۵۰ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۳۹:۵۰

### کارتون شهر



روزانه ۴ نخ سیگار به ازای هر نفر در کشور مصرف می شود که بخش بیشتر آن قاچاق است.

### کتابخوان

## صدایی که در تاریکی شنیده شد

کتاب «صدایی در تاریکی» ناصر طهماسب و پنجاه سال حضور در دوبلاژ، در ۱۱۶ صفحه از سوی نشر بنیاد سینمایی فارابی منتشر شده است. این کتاب که ادای دینی است به حضور ماندگار و تأثیرگذار ناصر طهماسب در عرصه هنر دوبله ایران، از سوی نیروان غنی پور گردآوری شده و داوود روستا آن را ویرایش کرده است.



ناشر در توضیح این کتاب چنین آورده است: «طهماسب از آن جمع خاص دوبلورهای است که تکنیک گویندگی فیلم را به مرتبه هنر دوبله رساند. تکنیکی که می تواند در لحظه ای چندین حس را با هم درگیر کند. یک دوبلور برای اجرای صحیح، باید بین دیدن، شنیدن و خواندن متن و همین طور دقت در باز و بسته شدن دهان بازیگر و درک بازی او، تعادل ایجاد کند و بعد از همه این ها با توجه

### حکایت

## از همین امروز شروع کن!

روستازاده ای را پدر به تحصیل فرستاد. پس از چند سال که به زادگاه خود باز آمد، دانشمندان آزمایش کردند. عامی برآمد! پدر پرسید: در این مدت دراز عمر به چه گذاشتی؟ او گفت: یک روز من بیمار می شدم. یک روز استادام. یک روز من به گرمابه می رفتم. یک روز استادام. یک روز من جامه می شستم. یک روز استادام. و روز هفتم هم آذینه بود.

مثال و حکم/ علی اکبر دهبخدا برگرفته از کتاب خوانندگی های ادب فارسی که مرحوم علی اصغر حلبی گردآوری کرده است.